

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی
بین المللی و
ترند های جستجو

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۸ شماره ۳۵ پاییز و زمستان ۱۳۹۹ (صص ۱۸۴-۱۶۵)

بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در سروده‌های شفیق حبیب و سلمان هراتی

۱-راضیه کارآمد ۲-حسین شمس آبادی ۳-عباس گنجعلی

چکیده

سلمان هراتی و شفیق حبیب از جمله شاعرانی هستند که در حیطه ادبیات پایداری تولیداتی بر جای گذاشته‌اند؛ بیان تشابه و تفاوت مضامین شعر پایداری آنها مسأله قابل توجهی است که این نوشتار بر مبنای مکتب ادبیات تطبیقی آمریکا و با رویکرد اصالت تشابه و مبتنی بر روش توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی و تطبیق آن می‌پردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سلمان هراتی و شفیق حبیب، رزمندگان، مقام شهدا و جاودانگی آنها را می‌ستایند و مردم را به قیام علیه ستمگران فرا می‌خوانند. هردو، شهادت را بر زیستن در میان ستم و تجاوز ترجیح می‌دهند و از کشتار کودکان بی‌دفاع، مسائل و مشکلات مردم جنگ‌زده سرزمین خویش سخن می‌گویند. با بهره‌گیری از رمز، تشبیه و... دشمن و جنایت‌های او را توصیف می‌کنند و مردم را به آگاهی، بیداری و مبارزه فرا می‌خوانند. تفاوت مشهود در شعر سلمان هراتی، در آمیختن مفهوم انتظار با موضوع مبارزه، شهید و شهادت است. از دیگر سو شفیق حبیب بیشتر از سلمان هراتی از ملت جنگ‌زده خویش سروده و آنها را به مقاومت دعوت می‌کند و در خطاب دشمنان با زبان تهدید، تحقیر و تحدی می‌سراید.

کلید واژه‌ها: شفیق حبیب، سلمان هراتی، ادبیات پایداری.

۱-مقدمه

بذر ادبیات پایداری و مقاومت، در خاک و درون سرزمین ایران و فلسطین ریشه دوانده و شعرا

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری

۲- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) Email: H.shamsabadi@hsu.ac.ir

۳- دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه حکیم سبزواری

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۲۰

و ادبای این دو سرزمین، در بارور کردن این بذر سهم عمده‌ای داشته‌اند؛ ادبای فلسطینی با به‌کارگیری مضامین مرتبط با مظلومیت و قیام مردم، تأثیر مهمی در فراگیرکردن فرهنگ مقاومت و آزادی فلسطین و افشای ماهیت صهیونیست‌ها داشته و ادبای ایران، با شعر و قلم خود با استبداد پهلوی به مبارزه پرداخته و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را به تصویر کشیده‌اند. شعر مقاومت فلسطین و شعر دفاع مقدس ایران به عنوان بخشی از ادبیات پایداری ملل، در انعکاس اوضاع و احوال خاص جبهه‌های نبرد با متجاوز، نقش به‌سزایی داشته‌است؛ «نقش ادبیات مقاومت فلسطین به‌طور کلی برانگیختن، بسیج کردن، ایجاد هوشیاری قومی، وطنی و گرایش اندیشه عمومی به سمت قیام است که به مسأله مبارزه کمک می‌کند.» (کنفانی، ۱۹۶۸: ۵) در ایران نیز مسائل و حوادث دوران انقلاب و موضوع جنگ، با ابعاد و گستردگی فراوانش، چشم‌انداز جدیدی در ادبیات گشوده و تصاویر تازه‌ای را در شعر دفاع مقدس پدید آورده است. شفیق حبیب و سلمان هراتی، دو شاعر فلسطینی و ایرانی هستند که مضامین پایداری در شعرشان تبلور خاصی یافته است. شفیق حبیب در سال ۱۹۴۱م در فلسطین به دنیا آمد. او دیپلم حسابداری و مدرک روزنامه‌گاری و روابط عمومی تحریریه خبر را گرفته و شانزده دیوان شعری دارد. شاعر در سال ۱۹۹۰م مجموعه‌ای شعری به نام «العودة إلى الآتی» را منتشر کرد که به دنبال آن بازداشت شد و به اتهام همکاری با یک سازمان تروریستی و نیز پشتیبانی از انتفاضه و تحریک ضد ارتش اسرائیل محاکمه شد. تألیفاتش در خانه‌اش و کتابخانه‌ها سوزانده شد. وی این محاکمه و ماجراهای آن را در کتاب «فی قفص الإتهام» بیان و منتشر کرده‌است. شفیق حبیب مسؤولیت «سخنگوی انجمن نویسندگان فلسطینی در اسرائیل» و رئیس کمیته انتشارات این انجمن را عهده دار شده و نیز یکی از اعضای اداری سندیکای عمومی ادیبان در اسرائیل و یکی از اعضای انجمن بین‌المللی نویسندگان و ادیبان فلسطینی بوده‌است. وی، در روزنامه‌ها و مجله‌های «الانباء»، «کلّ العرب» و «الاتحاد» یادداشت‌ها و نظراتی را برجای گذاشته و تا کنون دو برنامه در رادیو ۲۰۰۰، تهیه و اجرا کرده‌است. ایشان هم اکنون، در قید حیات هستند و فعالیت‌های ادبی و... را ادامه می‌دهند. (حبیب، ۲۰۱۱: ۹۴-۹۶) سلمان هراتی در سال ۱۳۳۸ در روستای مرزدشت تنکابن مازندران متولد شد و درس‌های ابتدایی را در مرزدشت و متوسطه را در روستای خرم‌آباد تنکابن سپری کرد. پس از اتمام دوره سربازی در رشته هنر تربیت معلّم پذیرفته شد و پس از دو سال، مدرک فوق دیپلم اخذ کرد. وی پس از پایان تحصیلات در یکی از مدارس روستاهای دور لنگرود مشغول تدریس شد. ایشان در سال ۱۳۶۵ زمانی که عازم رفتن به

محلّ کارش بود، در حادثه رانندگی از دنیا رفت. از وی آثاری به جا مانده‌است که برخی از آن‌ها عبارتند از: آب در سماور کهنه، از این ستاره تا آن ستاره و از آسمان سبز. (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۰)

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

این جستار از میان شعرای ایرانی، سلمان هراتی و از میان شعرای فلسطین، شفیق حبیب را برگزیده و به تطبیق و بررسی اشعار این دو شاعر در زمینه ادبیات پایداری پرداخته‌است؛ چرا که شعر شفیق حبیب و سلمان هراتی، از نمونه‌های مشهور و خوب ادبیات معاصر فلسطین و ادبیات دفاع مقدّس ایران است و در میان فریادهای امتناع و پژواک گلوله‌ها و آوای خون‌آلود پناهندگان، نشو و نما یافته‌است. از سوی دیگر، شفیق حبیب و سلمان هراتی شرایط و دوران‌های مشابهی را تجربه کرده‌اند؛ شفیق حبیب شاعری است که تمام همّ و غم خود را برای وطن جنگ‌زده خود گذاشته‌است و تاوان آن را هم با محاکمه، زندان و سوخته‌شدن آثارش داده‌است. «سلمان هراتی هم، از جمله کسانی است که در عرصه ادبیات پایداری و مقاومت، فعّال بوده‌است و قرار گرفتن وی در متن دوران خفقان، التهابات انقلاب، جنگ و شور جوانان و... و همچنین تربیت ایمانی و اعتقادی باعث شده که وی به جرگه شاعران انقلاب بپیوندد و به اصلی‌ترین موضوع اجتماعی عصر خویش - جنگ و استبداد- با ژرف‌کاوی بنگرد و آن را شاعرانه به تصویر بکشد. این دست شعرهای سلمان، سرشار از معنویت، آرمان‌گرایی و تقدّس شهادت و پایداری‌اند.» (علیپور، ۱۳۷۵: ۸۵) با توجه به اینکه شفیق حبیب و سلمان هراتی رویکرد ادبی و تجربه‌های مشترک داشته‌اند، این نوشتار در پی پاسخ به این سؤال است که نقاط اشتراک و تفاوت بازتاب جلوه‌های پایداری، در سروده‌های شفیق حبیب و سلمان هراتی کدام است؟

۱-۲ اهداف و ضرورت تحقیق

مقاومت و پایداری در برابر ستم و استبداد به عنوان یکی از فصول مشترک جوامع همواره مطرح بوده و بررسی این موضوع در آثار شاعران که گروه پیشرو اجتماع هستند، ضروری است. سلمان هراتی و شفیق حبیب از جمله شاعرانی هستند که بیشتر مضامین شعری خود را به این امر اختصاص داده‌اند که شناخت و بررسی این اشعار یکی از اهداف و ضرورت پژوهش حاضر است. کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌هایی در مورد سلمان هراتی وجود دارد که جنبه‌های مختلف شعر وی را مورد

بررسی قرار داده‌اند ولی به اشعار شفیق حبیب در کشورهای عربی زیاد پرداخته نشده و در ایران هیچ مقاله و کتابی در مورد ایشان نوشته نشده است. این پژوهش نخستین مقاله درباره بررسی شعر شفیق حبیب است که بعد تطبیق و مقایسه آن با شاعری دیگر، بر اهمیت و نو بودنش افزوده است.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

روش پژوهشی این مقاله، کاری تطبیقی بر اساس مکتب آمریکایی و با رویکرد اصالت تشابه است. در این مکتب، حیطة ارتباطات و تأثیرات ادبی، یکی از زمینه‌های عمده پژوهشی در ادبیات تطبیقی دانسته می‌شود منتها از منظری فراخ‌تر؛ بدین سان که بر یافتن مدرک تاریخی و شواهد اثبات‌گرایانه اصرار نمی‌شود و قبول می‌شود که برخی شباهت‌ها بین آثار ادبی، ناشی از روح مشترک همه انسان‌ها است. این تطبیق، به شیوه توصیفی و تحلیل محتوا صورت می‌گیرد؛ ابتدا درون‌مایه‌های ادبیات پایداری به صورت مختصر بیان شده و سپس این درون‌مایه‌ها در اشعار سلمان هراتی و شفیق حبیب به تفصیل آمده و به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو شاعر در پردازش هریک از درون‌مایه‌ها اشاره شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در مورد سلمان هراتی، مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های گوناگونی نوشته شده است. از جمله این مقاله‌ها «نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای دفاع مقدس» از محمدرضا یوسفی و صدیقه رسولیان آرانی (۱۳۹۲) است که نویسندگان، نمادهایی را که سلمان هراتی در مورد دفاع مقدس و انقلاب اسلامی به‌کار برده است، برمی‌شمارند و برآنند که سلمان در این کاربرد، تداعی معانی بدیع را ترسیم می‌کند و شاعری مبتکر و خلاق است. مقاله‌هایی هم به صورت تطبیقی سلمان هراتی را با شعرای دیگری مانند اخوان ثالث، احمد دحبور، محمود درویش، معین بسیسو و... مقایسه کرده‌اند. از جمله این مقاله‌های تطبیقی، «جلوه‌های پایداری و تعهد در شعر سلمان هراتی و سمیح القاسم» است که فائزه پسندی و تقی ازه‌ای آن را نوشته‌اند. در مورد سلمان هراتی، پایان‌نامه‌هایی هم نوشته شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: پایان‌نامه «صور خیال شعر جنگ در اشعار سید حسن حسینی و سلمان هراتی» از سمیه جدیدی فیقان که نگارنده، صور خیال در شعر جنگ را در شعرهای سلمان هراتی و سید حسن حسینی بررسی و انواع تشبیه، مجاز، استعاره، کنایه، نماد، اسطوره و... را ذکر کرده است. در ادامه، ویژگی‌های ادبیات قبل و بعد انقلاب را در قالب‌های

مختلف شعر بررسی کرده و در نهایت به ذکر و تبیین انواع صور خیال در اشعار دو شاعر پرداخته‌است. کتاب‌هایی هم به اشعار و شخصیت سلمان هراتی پرداخته‌اند؛ از جمله «رضا کریمی لاری» در کتاب و مقاله‌هایی که نوشته، اشعار سلمان هراتی را به طور مفصل، بررسی کرده‌است. علی‌رغم وفور پژوهش در مورد سلمان هراتی، تنها پژوهش انجام گرفته درباره شفیق حبیب، کتاب «شفیق حبیب فی مرایا النقد» است که توسط گروهی از ناقدین و مؤلفین به رشته تحریر درآمده است.

۲- درون‌مایه‌های پایداری

۲-۱- ستایش رزمندگان

یکی از مضامین «عمده شعر مقاومت، تجلیل و ستایش مبارزان میدان‌های جنگ است. از آن جایی که در بحبوحه جنگ، مبارزان به الگوهایی برای جامعه تبدیل می‌شوند، شاعران مقاومت با بیان خصوصیات و ویژگی‌های ظاهری و توصیف آنها؛ علاوه بر این که موجب پذیرش بیش از پیش آنها در بین جامعه می‌شوند، به ایجاد انگیزه دفاع و رفتن به میدان مبارزه در بین مردم، به خصوص جوانان کمک می‌کنند.» (صاعدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۲) سلمان هراتی و شفیق حبیب، مبارزان و جهاد آنها را ستوده و در توصیف آنها تشبیهات زیبایی به کار برده‌اند؛ سلمان هراتی، مبارزان را چون دریا می‌داند که با دلاوری و شجاعتی وصف‌ناشدنی از حیثیت و هویت آب و خاک سرزمین ایران دفاع می‌کنند. او آنها را خورشیدی می‌نامد که عامل روشنی، هدایت و امید هستند: «تو آبروی خاکی و حیثیت آب / دریا تویی ما جز تو دریایی نداریم / خورشید چشم توست چشمان تو خورشید / تا نشکفد چشم تو فردایی نداریم / شمشیرها را گو بیارند از سر بغض / از عشق ما جز این تمنایی نداریم» (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۵۸) همچنین سلمان، در سروده‌های خود به جانفشانی، جانبازی و رشادت‌های رزمندگان اشاره کرده‌است که از جمله آنها عبارتند از: «با نیت عشق بار بستند همه / از خانه و خانمان گسستند همه / لَبیک چو گفتند به سردار سحر / یکباره حصار شب شکستند همه» (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۷۲) شفیق حبیب هم مانند سلمان هراتی، مبارزان نستوه و عزم و اراده پولادین آنها را توصیف می‌کند؛ وی، مردم سرزمینش را از کودک، جوان و پیر، رزمندگان واقعی می‌داند و می‌ستاید چرا که صحنه جنگ در فلسطین به همه، بسیار نزدیک است. «فلسطین دارای یک نیروی سازمان‌یافته با ساز و برگ جنگی تمام عیار نیست. در نبرد علیه اشغالگر، تمامی مردم شرکت

می‌کنند.» (صاعدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲۷) شاعر دربارهٔ این مردم مبارز می‌گوید: «أَيُّهَا الشَّعْبُ!! الذی أصبحَ / فی عصرِ الجَہالاتِ نبیاً / لہبُ البرکانِ تَصَلی / نارُهُ الهوجاءُ مُحْتَلًا غیباً... / حجرُ الأطفالِ صاروخٌ / .. و مقلعٌ یداوِ عصبیاً / أيها الشعبُ!! الذی مازالَ / فی عصرِ الخِیاناتِ أمیناً / من دَمِ الأطفالِ یدو الفجرُ وَهَجاً / یمسحُ اللَّیلَ اللَّعیناً... / أيها الشعبُ!! الذی من عَظْمِهِ بَینی / إلی الآتی جُسوراً / أنتَ ذو حقٍّ و تاریخٍ .. / فکلُّ العارِ أن تَبقی صَبوراً... / ثورتی البیضاءُ أنقی دعوہِ للسلامِ / تحتلُّ الرِّیادَةَ / ثورُهُ الصخرِ التی تحملُ فی أحشائها / بُشری الولادہ» (حبیب، ۱۹۹۲: ۱۱۷-۱۲۱) ترجمه: ای مردمی که در دوره نادانی‌ها، پیامبر شده‌اید. آتش فروزان و گداختهٔ آتشفشان، متجاوز کودن را می‌سوزاند. سنگ کودکان، موشک و فلاخن است که عصبیت را چاره می‌کند. ای ملت‌ی که در عصر خیانت‌ها، همواره امین مورد اعتماد مانده‌ای. از خون کودکان، سپیده‌دم روشن سرمی‌زند تا شب نفرین‌شده را بزاید. ای ملت‌ی که از استخوانش به آینده پلی می‌سازد. تو صاحب حق و تاریخی. ساکت نشستن و خموش ماندن سراسر عار و ننگ است. انقلاب روشن من پاک‌ترین فراخوان صلح است که رهبری را به‌دست می‌گیرد. انقلاب سنگی که در درونش بشارت میلاد را حمل می‌کند. شفیق، در شعر «الانتفاضة» از آزادمردانی می‌سراید که زندان، خطر، راه دشوار و وعده‌های دروغین، آنان را در راه راستین خود متزلزل نمی‌کند: «لا السجنُ یثنیک عن عزمٍ و لا الخَطَرُ / فالحرُّ لایثنی و الدربُ مستعِرٌ / دربُ النُّضالِ حوافیهِ مؤجَّجَةٌ / بالنَّارِ و النورِ حتی یُبلِغَ الوَطَرَ (حبیب، ۱۹۸۸: ۱۵) ترجمه: نه زندان و نه خطر تو را از عزم و اراده‌ات باز نمی‌دارد و آزادمرد از آن روی که ره دشوار است و سنگلاخ، روی نمی‌گرداند. راه مبارزه آشبار است و در عین حال نورانی، تا بدانجا که خواسته حاصل گردد. البته همهٔ مبارزانی که با دست‌های خالی و به‌دور از حمایتِ قدرت‌های خارجی و با تکیه و اعتماد بر توان خود، همواره در ستیز با دشمن هستند، ستودنی هستند و شاعران صلح‌طلب جنگ‌ستیز نیز در اشعار خود، این افراد را از یاد نمی‌برند و می‌بینیم که سلمان، با تشبیه مبارزان به دریا و خورشید و شفیق حبیب، با تشبیه مردم مبارز به پیامبر و آتشفشان و تشبیه سنگ کودکان مبارز، به موشک سعی دارند مبارزان را تجلیل کنند. نکتهٔ قابل توجه در پردازش این موضوع توسط این دو شاعر این است که سلمان هراتی، مبارزهٔ مبارزان و مقاومت و ایستادگی در مقابل ستمگران را با انتظار مهدی موعود ترکیب می‌کند و درون‌مایه‌ای شگرف و بدیع از مقاومت را رقم می‌زند. «سلمان، پیروزیهای متعدّد سربازان امام زمان (عج) در جبهه‌های جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را ناشی از همراهی و کمک‌های آن حضرت می‌داند» (غنی‌پور ملک‌شاه و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۹): «او در جبهه هست/ با

بچه‌ها فسنگ خالی می‌کند/ و صلوات می‌فرستد» (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۰۳ و ۱۰۴) و در شعر «با آفتاب صمیمی»، امام مهدی (عج) را در کنار سیاه‌پوستان، در اردوگاه مردم فلسطین، در کنار خیمه‌های کربلا، تجسم می‌کند.

۲-۱-۱- تهییج مبارزان

در حوزه ادبیات پایداری «هسته مرکزی و عنصر اساسی ادبیات مقاومت، دعوت به مبارزه و تشویق به پایداری است. این امر آرمان‌های ملی و ایمانی را جهت بخشیده و شکوه آزادی و آزادگی را به مخاطب می‌نمایاند.» (مسبوق و اسدی، ۱۳۹۵: ۲۴۱) در این عرصه، شاعر مقاومت این رسالت را بر خود فرض می‌داند که مردم را به قیام علیه ستمگران فرا بخواند و بکوشد تا با زنده‌نگه داشتن روح امید از بروز خمود، سستی و ناامیدی در وجود مجاهدان و مبارزان جلوگیری کند. در این راستا، سلمان هراتی در سروده‌هایی مانند «از بی‌خطی تا خط مقدم» و «هوای باغ» و... این رسالت خویش را محقق می‌کند. وی، در سروده «بر قلّه‌های انتظار» مخاطبان شعر خویش را به مبارزه ترغیب می‌کند و با دست بردن به قبضه شمشیر، از آن‌ها می‌خواهد به بدی اجازه رشد ندهند و علیه آن، انقلاب و شورش کنند: «باید دست‌ها را به قبضه‌ی شمشیر سپرد/ و حنجره‌ی بدی را فشرده/ آه ای پیشوای اقیانوس‌های شورش/ شب‌نشینی دنیا به طول انجامید/ طوفان را رها کن/ و اسب آشوب را افسار بگسل» (هراتی، ۱۳۸۷: ۳۳ و ۳۴) در این زمینه، لحن شفیق حبیب همچون سلمان هراتی، حماسی و شکوهمند است. او مبارزان را به ادامه مبارزه فرا می‌خواند و ضمن تهییج مبارزان، وضعیت مردم جنگ‌زده و مظلوم خویش را توصیف می‌کند. وی، علاوه بر اینکه وضعیت اسفبار جنگ در سرزمین خویش را توصیف می‌کند؛ به افشای ماهیت ظالم، تهدید و تحقیر او و تحریک ظلم‌ستیزی و مبارزه طلبی ملت خویش اقدام می‌کند. شاعر تأکید می‌کند که همه فلسطینی‌ها روحیه ظلم‌ستیزی دارند: «إِنَّا لَشَعْبٌ كَمَا لَا تُبَادُ كَمَا/ بیدت شعوب فزالت و امّحت مدن» (حبیب، ۱۹۸۷: ۹) ترجمه: ما ملتی دلیرمرد و مسلحیم که نبود نمی‌شویم آنگونه که ملت‌های دیگر نبود شدند و از بین رفتند و شهرهایشان محو و ناپدید شد. او نه تنها همه فلسطینی‌ها، بلکه تک تک آنها را مبارز توصیف می‌کند و سعی می‌کند ملت خویش را به ادامه مسیر ترغیب کرده و بگوید فلسطینی، تحت سیطره ستم بودن را نمی‌پذیرد و با متجاوزان، مبارزه خواهد کرد؛ «فأنا.. / رغم الضّعف... / و رغم العسف... / و رغم السیف... / أقاتل أرباب الطّغیان... / ... / مازلت أحارب / ظلّم القاتل.. و السّجان..»

(حبیب، ۲۰۰۵: ۸۷) ترجمه: من،.../ علی رغم ضعف.../ و ستم.../ و شمشیر.../ با طغیانگران مبارزه می‌کنم.../.../ همیشه می‌جنگم/ با ستم قاتل.. و زندانبان...

۲-۲- جنگ‌زدگان

۲-۲-۱- توصیف جنگ‌زدگان

جنگ، پدیده شومی است که ایران و فلسطین درگیر آن بوده و در پی آن، مجبور به دفاع شده‌اند. در ایران، استبداد پهلوی و جنگ تحمیلی، و در فلسطین، حضور اشغالگران و مسأله صهیونیسم، باعث شده، سلمان هراتی و شفیق حبیب، اوضاع جنگ و وضعیت مردم جنگ‌زده خویش را در اشعار خود توصیف کنند. هرکدام با بیان و شیوه خود اوضاع و احوال روحی و مادی مردم خود را در زمان جنگ توصیف کرده‌اند؛ سلمان هراتی، با نگاهی موشکافانه و نقادانه، حوادث و مسائل مردم جامعه خویش را در طی روزهای جنگ رصد می‌کند و به توصیف و تحلیل آن می‌پردازد. وی «در شعر سپید «یک قلم ناسزا به محترک، قربتا الی الله» به همراهی مردم در پشت جبهه و آماده ثبت نام برای شتافتن به جبهه‌ها و درک موقعیت حساس جنگ و همیشه در صحنه بودن مردم اشاره دارد» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۱۲۹): «من بارها دیده‌ام/ برای خون دادن/ چقدر صف را تحمل کردند/ و برای ثبت‌نام در بسیج/ و برای رأی دادن هم/ داخل صف دعا می‌کردند/ خواهرم می‌گوید:/ تحملش آسان نیست/ چگونه می‌شود این همه معطل خوردن شد/ تو می‌خواهی خواهرم فرصت نکند/ برای رزمندگان دستکش ببافد/ تو همین را می‌خواهی/ امریکا نیز/...» (هراتی، ۱۳۸۰: ۹۷) و در شعر «جمهوری گل محمدی» به حضور همیشگی ملت ایران در جبهه‌ها و مشارکت آنها در تحمل آثار جبران‌ناپذیر جنگ تحمیلی اشاره می‌کند.

شفیق حبیب به خاطر حضور مستقیم اشغالگران در سرزمین خود، توصیف‌های زنده و پویایی از مردم جنگ‌زده در سرزمین خود ارائه می‌دهد و زوایای گوناگونی از آن را با بیانی شاعرانه ترسیم می‌کند. شاعر ضمن اشاره به عشق جاودانه به وطن، از مردم جنگ‌زده‌ای می‌سراید که در وطن مانده‌اند و در خاک آن آرمیده‌اند. همچنین، آنانی که وادار به کوچ و جلائی وطن شده‌اند و در غربت جان سپرده‌اند. شاعر از اینکه خون هموطنانش در سرتاسر دنیا به ناحق ریخته می‌شود گله‌مند است: «یمتدُّ العشقُ إلى وطنی.. فوق السَّهْلِ و فوق القَنْنِ / ليقبَلْ أجداتَ الأجدادِ / و ذکرى الأهل المرتحلین بلا عنوان../ اهلی../ فی کلِّ بقاع العالم مصلوبون علی الجدران،/ یا عشقی!!!/ اهلی مهدور دهمم فی

کل مکان،/ فی جرش و عجلون و عمان،/ فی تلّ الزعتر.. فی البداوی../ فی نهر البارده.. فی صبرا و شتیلا لبنان../ فی تونس یشرب رمل البحر/ دماً یتلهّب کالبرکان../ حتی سوریا شطرت أهلی،» (حبیب، ۱۹۸۷: ۳۰ و ۳۱) وی، با ترسیم فضای هولناک غربت و آوارگی، از مکر و بی‌رحمی دشمن می‌سراید و به هوشمندی و مقاومت مردم در اوج قساوت دشمن، اشاره می‌کند: «... و أطاردُ فی کلّ الأقطار،/ و ذئابُ الغدر تلاحقنی.../ تنهش لحمی.../ و تحاصرنی خلفَ الأسوار.../ هولاکو یا کُل من کبدی،/ یخمد فی عینی الضوء.../ و یشرب من دمعی المدرار،/ و یقطع أوصال الأحرار.../ لکن.../ مازلت أُمیزُ بین الظلمه و الأنوار.../ بین الغرباء و أهل الدار.../ و أطاردُ فی کلّ الأقطار.../ فی السهل و فی الوادی.. بین الأشجار/ فی السّاحات الملائی موتی،/ و خیامی تمحی،/ تأکلها ألسنه النار...» (حبیب، ۱۹۸۴: ۳۸-۴۰) شاعر، زمانه‌ای را که در آن زندگی می‌کند مملو از آوارگی، هراس، گرسنگی، هرج و مرج، فساد و... می‌خواند: «نحن نحیا زمنَ التشرید.. و الترهیب.. و التجویع.. و الفوضى.../ و عرس العهر فی عصر الکلاب،/ نحن نحیا زمنَ القهر../ و تخلص الحساب» (حبیب، ۱۹۹۰: ۳۹) ترجمه: ما زندگی می‌کنیم در زمان آوارگی..، هراس../ گرسنگی..، هرج و مرج..، جشن و پایکوبی فساد در روزگار سگ‌ها/ ما زندگی می‌کنیم در زمان ستم../ و بی‌حسابی. با مرور اشعار دو شاعر در این زمینه می‌توان گفت که سلمان هراتی، به کمک مردم به جبهه‌ها و حضور پرشور آنها برای رفتن به جبهه اشاره می‌کند و شفیق حبیب توصیف مفصل‌تری از وضعیت مردم جنگ‌زده کشور خود ارائه می‌دهد؛ او از مردم رانده‌شده از وطن، کشته‌شدن آنها در خارج از خانه و میهن، آوارگی، ترس و گرسنگی آنها سخن می‌گوید و «ذئاب» و «کلاب» را به عنوان نمادی برای دشمنان به کار می‌گیرد تا بتواند با نسبت دادن اعمال حیوانی به دشمن هرچه بهتر و بیشتر قساوت و مکر دشمنان را توصیف کند.

۲-۳- تأثیر جنگ بر کودکان

در حوادث خشونت‌باری چون جنگ، کودکان از دیگر قشرهای جامعه، آسیب‌پذیرترند؛ چرا که به خاطر توان و تجربه اندک و نیز از هم‌پاشیدگی احتمالی کانون خانواده، بی‌دفاع‌تر می‌مانند و آنها با بی‌گناهی و معصومیت تمام، در میان جنگ‌افروزی و قدرت‌طلبی بزرگترها قربانی می‌شوند. شاید به همین خاطر است که شاعران و نویسندگانی که در حوزه ادبیات پایداری شعر می‌گویند به کودکان توجهی ویژه دارند. آنها «در ادبیات پایداری ملت‌ها، اوج جنایت را در بیداد و بی‌رحمی نسبت به کودکان ترسیم می‌کنند.» (صاعدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳۱) سلمان هراتی و شفیق حبیب هردو،

آسیب‌پذیری کودکان را در پدیده شومی چون جنگ از یاد نبرده و از آن‌ها در سروده‌های خود یاد کرده‌اند. هر دو شاعر، با دید و بیان مخصوص به خود، تأثیر جنگ بر کودکان را توصیف کرده و در عین حال به آن‌ها امیدوار هستند. در این بخش هم شفیق حبیب با بیانی مفصل و عینی‌تر، از کودکانی می‌سراید که با اشک، اندوه، ترس، گرسنگی و... روزگار را سپری می‌کنند و از دنیای واقعی و زیبای کودکی فاصله دارند. سلمان هراتی، معصومیت و مظلومیت دنیای کودکان را در جنگ و مقاومت به تصویر کشیده‌است. او شعر «قصه بازگشت پدر» خود را به فرزندان شهید «عزیزالله گلین مقدم» تقدیم کرده‌است. به طور کلی وی «در مجموعه «از این ستاره تا آن ستاره» سعی دارد از منظر کودکان، دفاع مقدس و فرآیند آن را بازگو کند» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۲۷۹) شاعر، با به‌کاربردن واژه‌های مناسب و قابل فهم برای کودکان از آثار و پیامدهای جنگ برای کودکان می‌سراید. وی، با الهام از شغل معلمی خود، جنگ و تأثیر آن را برای کودکان بیان می‌کند. او، در شعر «امتحان نهایی» جبهه را مدرسه و کلاسی واقعی دانسته‌است که باید، امتحان نهایی را در آنجا پس داد: «و جبهه مدرسه است / کلاس ما آنجاست / شتاب کن برویم / که دیر خواهد شد / تفنگ را بردار / امام می‌آید / و امتحان نهایی شروع خواهد شد» (هراتی، ۱۳۸۷: ۳۵۳) او معلم را همچون فرماندهی دانسته‌است که کلاس درسش، سنگر است و گچ فشنگ را بر تخته‌سیاه قلب دشمن می‌زند» (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۱۳۱): «بامن بیا نترس! / من یک جنوبی‌ام / در فکر خوبی‌ام / با من بجز حماسه نگو / از من بجز تفنگ نخواه / زیرا معلم / فرمانده من است / سنگر، کلاس ماست / ما با گچ فشنگ / همواره بی‌درنگ نوشتیم: / «پیروز می‌شویم» / تخته‌سیاه ما / قلب سیاه دشمن اسلام است» (هراتی، ۱۳۸۷: ۳۶۴ - ۳۶۵) گرچه سلاح مبارزه کودکان از نگاه سلمان، گچ مدرسه عشق است ولی شاعر، به این کودکان باور و امید دارد چرا که کودکان نماینده نسل جسور و شکست‌ناپذیر آینده هستند. شاعر، این باور و امید خود را در سروده «پرنده‌گان می‌آیند...» اینگونه بیان می‌کند: «باکودکان امسال / مردان سالهای دیگر / که منشور تحقق آفتاب را / در سرانگشتان خویش دارند / کودکانی روشن / کودکانی از پشت آفتاب / از صلب سخاوتمند بهار / کودکانی که هر پنجشنبه عصر / در بهشت شهیدان / آینده وطنم را به شور می‌نشینند / کودکانی که مسیر بهار را تعیین می‌کنند... / تحقق آفتاب حتمی است / پرنده‌گان می‌آیند» (هراتی، ۱۳۸۷: ۲۴۰ و ۲۴۱)

شفیق حبیب هم، وقتی از آثار غیرقابل جبران جنگ در سرزمینش سخن می‌گوید بخشی را به کودکان سرزمینش اختصاص می‌دهد؛ وی در سروده «الطفوله»، تلاش می‌کند بگوید که کودکان

فلسطینی، در شرایط ناگواری به سر می‌برند. این شرایط نامطلوب، تنها فقر و گرسنگی نیست، بلکه مهم‌تر از آن محروم شدن از دوران کودکی، آرامش، لبخند و بازی‌های کودکانه است: «أُنْسِيَ الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ أَيَّامَ الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ.. عَمَسُوا أَيَّامَهُ بِالْقَارِ... وَالْأَحْزَانِ.. وَالْأُدْمَعِ.. / يَا وَيْلَ الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ!! عَجَنُوهَا.. / مَرَّغُوهَا لِقَمَةَ الْوَلَدِ الْفِلَسْطِينِيَّ / بِالْخَوْفِ.. وَالتَّجْوِيعِ.. وَالتَّرْهِيْبِ.. / حَتَّى أَحْرَقُوا شَمْعَ الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ..» (حبیب، ۱۹۹۰: ۵۶) ترجمه: روزگار کودک فلسطینی را از ذهن او زدوده‌اند... همانانی که روزهایش را با قیر... و اندوه‌ها... و اشک‌ها... پوشانده و در خود فروبرده‌اند/ ای وای بر کودکی!! آن را خرد و خمیر کردند... دوران کودکی آن‌ها را که با ارزشتر از غذای دهانشان بود در خاک غلطاندند/ با ترس...، گرسنگی... و هراس... تا این‌که شمع کودکی را سوزانند. شفیق حبیب در اشعار خود می‌گوید که کودکان، در میان جنگ و عواقب آن، کودکی نکرده و گل، کلام و اعداد را از خاطر برده‌اند: «أُنْسِيَ الْأَطْفَالَ لَوْنَ الْوَرْدِ.. / وَ التَّرْجِسِ وَ الْحَرْفِ وَ أَرْقَامَ الْحِسَابِ» (حبیب، ۱۹۹۰: ۳۸) ترجمه: کودکان رنگ گل سرخ را فراموش کرده‌اند... و گل نرگس و کلام و عدد و رقم‌های حساب و کتاب را. «شاعر، ضمن اشاره به کودکی کردن کودکان کشورهای دیگر، از حکومت اشک و ماتم بر کودکان سرزمین خویش گله‌مند است: «أَيُّهَا الدَّمْعُ / أَيُّهَا الدَّمْعُ الَّذِي يَغْسِلُ وَجَنَاتِ الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ!! / أَصْبَحْتَ كَالْمَاتَمِ الْأَسْوَدِ أَيَّامَ الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ.. / طَعْمُهَا مَرًّا حَلْوَى الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ / يَمْرَحُ الْأَطْفَالَ فِي مَوْسَكُو... وَ وَاشْتَنْنُ / وَ بَارِيْسَ... وَ لَنْدَنْ.. / وَ عَلَيَّ أَطْفَالِنَا تَبْكِي الْوَلَدُ الْفِلَسْطِينِيَّ...» (حبیب، ۲۰۱۷: ۵۶) ترجمه: ای اشک! ای اشکی که گونه‌های کودکی را می‌شوید. روزهای کودکی، ماتم سیاه شده. طعم شیرینی کودکی، تلخ است. کودکان در موسکو، واشنگتن، پاریس و لندن به شادی سرگرمند و کودکی به حال کودکان ما می‌گیرد. وی می‌گوید گلوله دشمن، بزرگ و کوچک نمی‌شناسد و قلب کودک، را نشانه می‌گیرد: «وَ رِصَاصَهُ أُخْرَى.. / تَقْبَلُ مِثْلَ أَفْعَى / قَلْبَ طِفْلِ فِي رِبْعِ الْعَمْرِ» (حبیب، ۱۹۹۲: ۴۲ و ۴۳) ترجمه: و گلوله‌ای دیگر چون افعی، بر قلب کودکی در بهار عمر بوسه می‌زند. شفیق حبیب، ضمن اشاره به فقر و محرومیت کودکان جنگ‌زده، از زبان کودکی عراقی وضعیت کودکان درگیر جنگ را می‌سراید: «أَعْطَنَّا خُبْرَنَا يَا إِلَهَ الْعِبَادِ...!! / إِنِّي ضَامِرٌ... جَائِعٌ... / لَيْسَ فِي بَيْتِنَا... / غَيْرُ خُبْرِ الرَّمَادِ... / وَ بُؤْسِ الرَّمَادِ... / وَ مَرُّ الرَّمَادِ... / يَا إِلَهِي...!! / لِمَاذَا تَخَلَّيْتَنَا...!! / فَهَلْ نَحْنُ مِنْ طِينِهِ / دُونَ وَحْلِ طُغَاهِ الْفَسَادِ...؟ / يَا إِلَهِي...!! / نَسِينَا بِيَاضَ الْحَلِيبِ / وَ طَعْمَ الْحَلِيبِ / فَكُلُّ الَّذِي حَوَّلْنَا / غَارِقٌ بِالسَّوَادِ... / يَا إِلَهَ الْعِبَادِ...!! / إِنِّي قَدْ نَسَيْتُ الْأَغَانِي / وَ أَفْرَاحَ أَعْيَادِنَا وَ الْأَمَانِي / وَ الْوَعْدَانِي... / وَ الدُّمَى... / وَ الْجِيَادِ... / يَا إِلَهَ الْعِبَادِ...!! / كَمْ تَغَيَّرَ وَجْهُ الْبِلَادِ... / كُلُّ مَا حَوَّلْنَا... / عَابِسٌ... يَابِسٌ... / كَالْجَمَادِ... / يَا إِلَهَ الْعِبَادِ...!! / كَيْفَ يَغْدُو تَرَابِي

أسیرا/ وَ تَعْدُو بِلَادِي قُبُورًا/ أَخَافُ الذَّهَابَ إِلَى صَفْنَا/ فِي الصَّبَاحِ.../ يَحْمِلُ اللَّوْحُ أَسْمَاءَنَا بِالنُّوْحِ/ كَالجِرَاحِ.../ أُمْسِ مَاتَتْ سَعَادٌ.../ ثُمَّ مَاتَتْ سُلَيْمِي.../ وَ مَاتَ رَشَادٌ... (حبيب، ۱۹۹۸: ۸۰-۸۳) ترجمه: ای خدای بندگان سهم نانمان را به ما عطا کن من نحیفم گرسنه‌ام در خانه ما غیر از نان، درماندگی و تلخی خاکسترگونه چیزی نیست. خدایا چرا ما را فراموش کرده‌ای؟ مگر سرشت و گل وجودی ما غیر از متجاوزان فاسد است؟ خدایا سفیدی و طعم شیر را از یاد برده‌ایم. همه چیز در اطراف ما، غرق در سیاهی است. ای خدا! من، ترانه‌ها، شادی عیدها، آرزوها، بازی‌ها، عروسک‌ها و اسب‌ها را از خاطر برده‌ام. خداوندا! چقدر چهره کشورم دگرگون شده همه چیز اطراف ما در هم گرفته و خشک است چون جمادات خدایا چطور خاک من اسیر، و کشورم، گورستان شده‌است. بامداد از رفتن به صف می‌هراسم. تابلو، اسامی ما را چون جراحت، با ندبه و گریه حمل می‌کند. دیروز، سعادت سپس سلیمی و رشاد مردند.

۲-۴-شهادت و شهید

۲-۴-۱-ستایش شهید

یکی از شاخص‌ترین مضامین قابل ستایش در شعر مقاومت، شهید و شهادت است چرا که «شهادت زیباترین وجه زندگی معدودی از افراد بشر است که جان خود را در طبق اخلاص می‌نهند و به فرموده قرآن «خود» را با «خدا» معامله می‌کنند. این زیبایی، قطعاً با هنر که اساس آن هم بر زیبایی استوار است، نسبت دارد» (غیبی و احمری، ۱۳۹۴: ۲۴۲) و خداوند که صاحب جمال مطلق است، در قرآن کریم، از جایگاه والای شهیدان و ملازمت ایشان با پیامبران و صالحان خبر می‌دهد: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (نساء، ۶۹). البته در قرآن آیات دیگری هم وجود دارد که به مقام شامخ شهید، جاودانگی و برخوردارگی از رزق و روزیشان در بهشت خبر داده‌است. باتوجه به اینکه شهادت یک ارزش اسلامی و انسانی است، در شعر مقاومت ایران و فلسطین نیز، این مضمون از چشم تیزبین شاعران دور نمانده‌است و این مقوله در نزد فلسطینی‌ها با وابستگی به خاک میهنشان، ارتباط بسیار تنگاتنگی دارد. در ایران، شعرا، این مفهوم را تقدس بخشیده و از دریچه اسلامی و دینی به آن نگاه می‌کنند.

سلمان هراتی و شفیق حبیب به جایگاه رفیع شهیدان و جاودانگی‌شان اشاره کرده‌اند. دوشاعر، برخی از سروده‌هایشان را به آن‌ها تقدیم و گاه، به طور مستقیم نام آن‌ها را در اشعار خود ذکر کرده‌اند؛ سلمان هراتی در اشعار خود به مقام والای شهیدان اشاره کرده‌است. از جمله آن‌ها «ای گل خوشبو» و «سبکبارتر از ابر» می‌باشد «ای شهید ای جاری گلگون/ جایت از پندار ما بیرون.../ هر گل سرخی که می‌کاریم/ زیر لب نام تو را داریم/ ای گل خوشبو تو را چیدند/ از بلند شاخه دزدیدند» (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۶۱-۱۶۲) و «بی‌مرگ سواران شب حادثه‌هایید/ خورشید نگاهید و در آفاق رهایید/ مرداب کجا فرصت پیدا شدنش هست/ آنگاه که چون موج از این بحر برآید.../ ماندیم و نراندیم نشستیم و شکستیم/ رفتید و شنیدیم شهیدان خدایید» (هراتی، ۱۳۸۷: ۲۸۸-۲۸۹)

سلمان هراتی، شهدا را جاودانه می‌داند و در اشعار خود می‌گوید که شهدا به خانه ابدی خود رفته‌اند، یا آن‌ها را بهار جاودانی و یا رود سرخی که در ابدیت جاری و ساری هستند نامیده‌است. وی در سروده «دستور» با بهره‌گیری از قواعد دستوری به ازلی و ابدی بودن شهدا اشاره می‌کند: «و نهاد/ بخشی از جمله که درباره آن/ خبری می‌شنویم/ و گزاره خبر است/ مثل این جمله: «شهید/ رود سرخی است که تا/ ابدیت جاری است»» (هراتی، ۱۳۸۷: ۳۵۸)

شفیق حبیب شهدا را عامل عزت و جاودانگی معرفی می‌کند؛ وی در سروده «رساله‌ی شهداء یوم الارض» خطاب به شهدا، از ثمره خون شهید و بوی خوش آن سخن می‌گوید: «رساله‌ی شهداء یوم الارض» «هدی دماؤک یا شهیدی!/ تسمو منائر فی وجودی.../ هدی دماؤک یا شهیدی:/ عطر علی أرض الجود» (حبیب، ۱۹۸۰: ۱۷-۲۰) ترجمه: نامه‌ای به شهدای روز زمین «ای شهید این خون توست که چون فانوس‌هایی در وجودم اوج می‌گیرند.../ این خون توست ای شهید بوی خوشی بر زمین نیاکان. وی به خاطر جاودانگی شهدا مرگشان را باور ندارد و در سروده «عاصفه الدهور» (الی شهدائنا الخالدین) می‌گوید: «-یا زین الشباب- / فَلَمْ أَصَدِّقْ مَصْرَعَك» (حبیب، ۲۰۰۱: ۴۳) ترجمه: -ای زینت جوانان- از پای فتادنت را باور نکردم. شفیق حبیب، خون شهدا را عامل ماندگاری سرزمین فلسطین می‌داند و شهید را شریف‌ترین مردم می‌نامد: «شهداؤنا بَدَلُوا الدماء غزیره/ لتظلَّ هدی الأرضُ یُنْبوعاً لصاد» (حبیب، ۱۹۸۷: ۶۵) ترجمه: شهدای ما فراوان خون خود را هدیه کردند که این سرزمین چشمه‌ای برای تشنگان بماند.

وی در بیانی رمانتیک و حزن‌انگیز در باره شرافت و اهمیت شهادت‌طلبی شهدا می‌سراید: «أشرفُ الناسِ مَنْ يموتُ شهیداً/ فی الهوی، أو یعیشَ طیراً طریداً» (حبیب، ۲۰۱۷: ۱۸۳) ترجمه:

شریف‌ترین مردم کسی است که شهید بمیرد از سرعشق، یا چون پرنده‌ای آواره بزند. شفیق حبیب، شهدا را نگارندگان حقیقی تاریخ و خون شهدا را پاک و از بین برنده ظلمت و... معرفی می‌کند: «فاکتب علی وجه الزمان ملامحاً/ أضحی الدم المسفوک منک مدادا/ هی حکمه التاریخ عبر عصوره:/ «ما ظالمٌ إلّا استبدادٌ و بادا»/ ما أظهرَ الدمَّ حین یصبحُ شعلهً/ تمحو الظلام... و تُعلن المیلادا..» (حبیب، ۱۹۸۸: ۱۱) ترجمه: «بر صورت زمان نشانه‌هایی بنگار. خون ریخته‌شده تو جوهر است/ حکمت تاریخ در گذر دوره‌هایش این است که «ستمگر استبداد ورزید و از بین رفت»/ خون چه پاک است وقتی شعله‌ای شود که ظلمت را از بین ببرد... و تولد و نوزایی را اعلام کند. با توجه به اشعار دو شاعر در مورد ستایش شهید می‌بینیم که هر دو شاعر با تشبیه شهدا به عناصری زیبا و مفاهیمی پرمعنا آنها را ستوده‌اند؛ سلمان با تشبیه شهید به خورشید، رود سرخ و گل خوشبو و مخاطب قرار دادن شهید با این عنوان به مقام والای شهدا و جاودانگیشان اشاره می‌کند و شفیق حبیب هم، خون شهید را به فانوس و بوی خوش تشبیه می‌کند؛ ولی بیان و دیدگاه شفیق حبیب به این موضوع از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردار است به طوری که با بیانی عاطفی، فقدان شهید را انکار می‌کند و در بیان احساس خود نسبت به شهید، عشق و حزن را درهم می‌آمیزد و شهدا را تاریخ‌ساز، روشنایی‌بخش و عامل عزت و جاودانگی وطن می‌انگارد.

۲-۴-۲- تمنای شهادت

شاعران ادب پایداری، به موضوع شهادت ارج می‌نهند و آن را یک ارزش برتر می‌دانند و گاه خود نیز آرزوی شهادت می‌کنند. سلمان هراتی از جمله کسانی است که در برخی سروده‌های خود، آرزوی شهادت کرده‌است که البته ایشان بدان نائل نشد. وی در غزل «آرزو» این‌گونه تمنای شهادت کرده است: «تا درآیی و گلی را بگزینی/ من همان غنچه‌ی خندان تو باشم/ چون که فردا شد و خورشید کدر شد/ من هم از جمله شهیدان تو باشم» (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۶) و در غزل «شوق رهایی» شهادت‌طلبی را ناشی از شجاعت و نترس بودن می‌داند: «دلی که شوق رهایی در اوست ای دل من/ بدون واهمه از صد حصارمی‌گذرد» (هراتی، ۱۳۸۷: ۳۱۳)

شفیق حبیب هم مانند سلمان هراتی، شهادت را بر زیستن در میان ستم و جنگ نابرابر ترجیح می‌دهد و آرزوی شهادت می‌کند؛ وی جریان خون در رگ‌هایش را در حالی که حق وی تضییع شده باشد، انکار می‌کند: «أعانقکم.. أخطبکم.. و صوتی یهدم الأوسار/ و أفرش قلبی المکلوم

للأطفال، مَهْدَ وِثَارٍ/ و أطلبُ منه أن يرعى رجالَ الفجرِ والإصرارِ/ فحقى لن يضيعَ و فى شرايينى دمٌ
فَوَارٍ» (حبیب، ۱۹۸۸: ۴۱) ترجمه: با شما معانقه می‌کنم.. شما را مخاطب قرار می‌دهم.. و صدایم
دیوارها را در هم می‌شکند و دل زخم‌دیده‌ام را چون گهواره‌ای نرم، برای کودکان می‌گسترانم/ و از
او می‌خواهم که مردان روشنایی و پایمردی را پاسداری کند، حق من در حالی که در رگهایم خون
جریان دارد، تضييع نخواهد شد. همچنین شاعر خون خود را در برابر کسی که آن را هدر بدهد،
معارض و دادخواه می‌خواند: «هذا دمی، صارخٌ فى وجهِ هادِرِه/ فى ثورةِ الحجرِ المعطاءِ هدارُ/
فالمجدُّ للشعبِ ما أعطاكِ یا وطنی!!/ و الخزىُّ للماكرِ المحتلِّ و العارِ» (حبیب، ۱۹۹۰: ۱۳) ترجمه:
این خون من است که در صورت کسی که آن را ریخته‌است فریاد برمی‌آورد و در انقلاب پرثمر
سنگ، خون من تندر مانند و پریها هو است/ ای وطنم! شکوه از آن ملت است مادامی که به تو
(جان و مال و همه داشته‌هایش) را ببخشد و عطا کند و زبونی و ننگ از آن حيله‌گر اشغالگر است.

۲-۵-دشمن

۲-۵-۱- توصیف دشمن

معمولاً مشعل ادبیات مقاومت در هر کشوری زمانی شعله‌ور خواهد شد که پای یک نیروی
بیگانه در میان باشد و در این میان، جنگ، همیشه با تصویری از جنایت‌های دشمن، همراه است.
«دشمن نقش ثابت کننده‌ای در شعر مقاومت برعهده دارد. شاعر مقاومت، همواره با توصیف دشمن
و بیان جنایات او به طور غیرمستقیم می‌کوشد تا علاوه بر نشان دادن مظلومیت مردم، حس انتقام و
ادامه مبارزه را در نیروی خودی به وجود آورد.» (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷) ترسیم چهره دشمنان و بیان
ستم‌پیشگی آن‌ها به عنوان یکی از اصول مهم و اساسی در ظلم‌ستیزی و ایستادگی برای حفظ
ارزش‌های ملی و دینی در اشعار شفیق حبیب و سلمان هراتی، نمود بارزی یافته‌است؛ هر دو برای
توصیف و سخن از دشمنان، جور و بیداد آنها، به رمز و تشبیه تمسک جسته‌اند. سلمان هراتی در
توصیف و سخن از دشمن، بیانی نمادگونه را برمی‌گزیند؛ وی، از خفاش به عنوان نمادی برای
نیروهای دشمن در جبهه‌های حق علیه باطل استفاده کرده‌است: «هیچ خفاشی/ قلمرو آفتاب را در
نمی‌وردد/ جز به سرانجام بد» (هراتی، ۱۳۸۷: ۷۴) و فرعونان را به عنوان نمادی برای ستمگران،
کفار، طاغیان، دیکتاتورها، مدعیان اولوهِیّت و ربوبیّت و مستکبران به کار برده‌است: «بین گل محمدی
و مردم/ دیوار میکشد/ و نمی‌داند که/ نیل به بلعیدن فرعونان/ عادت دارد» (هراتی، ۱۳۸۷: ۲۴۷)

شفیق حبیب هم تصویری نامیمون از دشمنان ارائه می‌دهد. وی آنها را وحشی صفت و اهل خدعه و نیرنگ معرفی می‌کند و می‌گوید: «تأتی جیوشُ الغدرِ و المکرِ/ وحوشاً.. / تحملُ التدمیر.. و التهجیر.. / و التقتیل.. و التنکیل.. / و الطّاعون.. و الحمام» (حبیب، ۲۰۰۵: ۵۹) ترجمه: لشکریان نیرنگ و فریب می‌آیند/ وحشی صفتانی.. / که ویرانی..، ترک وطن..، / کشتار..، عذاب..، / طاعون.. و مرگ با خود دارند. وی از دشمنان با واژه سگ یاد می‌کند و در عین حال ملّت مورد هجوم را قوی و شکست‌ناپذیر خطاب می‌کند: «کلابُ الغدرِ تنهشنی.. کلابُ الغربِ و الدّولارِ / تخططُ.. تنفثُ الأحقاد.. ترسمُ فی دُجی الأوکار/ فهذا الشعبُ لن یفنی.. فهل تنبذُ الأقدار؟/ حذار لمن یُدانی ثوره البرکان.. أَلَف حذار...» (حبیب، ۱۹۸۸: ۴۲) ترجمه: سگ‌های خدعه مرا به دندان می‌گیرند.. سگ‌های غرب و دلار نقشه می‌کشند.. کینه‌ها می‌افکنند.. در تاریکی لانه‌ها نقشه طراحی می‌کنند و دسیسه می‌چینند این ملّت هرگز نابود نخواهد شد.. آیا قدرت‌ها از بین می‌روند؟ باید هشدار داد به کسی که به انفجار و فوران آتشفشان نزدیک می‌شود.. هزاران هشدار... همچنین در سروده «عمر.. و الذئاب»، از واژه گرگ برای دشمنان استفاده می‌کند.

۲-۵-۲- تهدید و تحقیر دشمن

شفیق حبیب که مدّت زمان طولانی، حضور دشمن متجاوز را در خاک سرزمین خویش، شاهد و ناظر بوده‌است در تهدید، تحدی و تحقیر دشمن بیشتر از سلمان شعر سروده‌است. وی حاکمان عرب و کسانی را که دارای پست و مقامی هستند در شعر خود آماج انتقاد قرار می‌دهد و در سروده «أرضی تئور» یادآوری می‌کند که با گذشت بیست سال از اشغال، شعله خشم و نفرت از دشمن در میان فلسطینی‌ها فروکش نکرده‌است: «أرضی تئور» (بمناسبه مرور عشرين سنه علی الاحتلال الاسرائیلی فی حزيران ۱۹۶۷) «أرضی علیک تئور.. تلتهب/ عشرين عاماً.. ما خبا غضبُ... / واقتل صغاری فی مخیمهم/ فالقتلُ فی أعرافِکم أرب...» (حبیب، ۱۹۸۸: ۳۳-۳۷) ترجمه: «زمین من قیام می‌کند» (به مناسبت بیستمین سالگرد اشغال فلسطین توسط اسرائیل در حزيران سال ۱۹۶۷) زمین من ضد تو انقلاب می‌کند.. ملتهب می‌شود/ بیست سال خشمش.. فروکش نکرده است... / و بچه‌های کوچکم را در چادرهایشان بکش.. / کشتن در عرف شما مطلوب است... شاعر در عباراتی دیگر این مفهوم را تکرار می‌کند و در خطابی عتاب‌گونه به دشمن می‌گوید که وی نمی‌تواند وطنش را صاحب شود و با دم‌زدن از اتحاد ملّت خویش، به تهدید و تحقیر دشمن می‌پردازد: «لن یسلبَ شبرٌ من

أرضی / لن یهدمَ مأوایَ الأشرار / لسنا یا ظالمُ أفراداً / بل شعب یعصفُ کالاعصار / قم خطط ما شاء
التخطيط / فإنا صنّاع الأقدار» (حبیب، ۱۹۸۰: ۱۲) ترجمه: وجبی از سرزمین من به یغما نخواهد رفت.
أشرار، مأمن من را ویران نخواهند کرد. ای ستمگر! ما افرادی پراکنده و متفرّق نیستیم بلکه ملتّی
هستیم که چون طوفان عمل می‌کنیم. / برخی‌ها هرچقدر می‌خواهی نقشه بکش ما خود سرنوشت
خویش را رقم می‌زنیم. شاعر در سروده‌های خود، هشدار می‌دهد که هرکس ما را بکشد نابود
می‌شود و وی، دشمن را چون چرکی متعفنّ از سرزمین خویش به بیرون می‌راند: «علقمُ لحمنا...
فمن / ذاقَ من لحمنا یبید / فارتحل عن دیارنا / آسنُ أنت کالصّدید» (حبیب، ۱۹۸۸: ۲۲) ترجمه:
«گوشت ما تلخ است... هرکس گوشت ما را مزه کند نابود می‌شود از سرزمین ما برو تو که چون
چرکی متعفنّ و بدبو هستی»

سلمان هراتی هم این مفهوم را البته نه به شدّت و وضوح شفیق، در اشعار خود منعکس
کرده‌است مانند این عبارتِ وی «شمشیرها را گو بیارند از سر بغض / از عشق ما جز این تمنّایی
نداریم» (هراتی، ۱۳۸۷: ۱۵۸) که نشان از شجاعتِ شاعر و فراتر از آن تهدید و تحقیر دشمن است.
در این زمینه، شاعر نوک اتهامش را بیشتر به سمت غرب می‌گیرد. وی، در شعر «دنیا در باتلاق
تقلب» به اندیشه‌ها و سیاست‌های شیطانی افزون‌خواه قدرتمندان جهانی می‌تازد که در تیرگی و
تباهی خود غوطه‌ور شدند. او در سروده «زمستان قرن بیستم» دشمن را با الفاظی چون، گراز، و لگردد،
مترسک، شفتالویی کرم‌خورده، افعی، زالو، گرگ، گوریل و... تحقیر می‌کند. در همین سروده، با
پیروی از آیه «وجاءت کلُّ نفسٍ مَعَهَا سائقٌ و شهیدٌ لقد کنت فی غفلهٍ من هذا فکشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدیدٌ» (ق، ۲۱-۲۲)، ضمن اشاره به سرنوشت ظالمان و متجاوزان جهان همانند هلاکو،
هیتلر، فرعون و نمرود، فرجام دشمنان سرزمین خود را به آنان تشبیه می‌کند و زوال و نابودی را در
انتظار آنان می‌داند. سرانجام با لحنی تهدیدآمیز، زبان گفتگوی خود با دشمن را تفنگ می‌داند: «من
از اهالی جهان سومم / و با تو با زبان تفنگ سخن می‌گویم» (هراتی، ۱۳۸۷: ۲۲۹) بنابراین در مورد
اینکه سلمان هراتی و شفیق حبیب، دشمن را چگونه در سروده‌های خود مطرح کرده‌اند می‌توان
گفت که هردو شاعر برای پرداختن به این موضوع از نماد استفاده کرده‌اند؛ سلمان، از خفاش و
فرعونان و شفیق حبیب از واژه‌هایی همچون وحوش، کلاب و ذئاب بهره برده‌است. تفاوت فاحش
در پردازش این دو شاعر این است که شفیق حبیب بیشتر از سلمان، دشمن را تهدید و تحقیر

کرده است. او هم به دشمنان داخلی و هم به دشمنان خارجی اشاره و از حاکمان عرب انتقاد و بر اتحاد ملت خود تأکید کرده و یادآوری می‌کند که آتش خشم ملت فلسطین فروکش نخواهد کرد.

۳- نتیجه

ادبیات پایداری و مقاومت در ایران و فلسطین جلوه‌گر شده است. سلمان هراتی و شفیق حبیب از جمله شاعرانی هستند که در مورد این موضوع، اشعاری سروده‌اند. سلمان هراتی، مبارزان را ستوده و از جانبازی و شهامت آنها و معصومیت و مظلومیت کودکان، سخن گفته است. وی مبارزه و مقاومت مبارزان را با مفهوم انتظار ترکیب می‌کند و به بی‌تفاوتی برخی مردم در زمان جنگ و رذایل اخلاقی آنها اعتراض می‌کند. سلمان هراتی، به مقام والای شهیدان و آرزوی شهادت اشاره و برخی از سروده‌هایش را به فرزندان شهیدان تقدیم کرده است. شاعر، در سروده‌های خود، از دشمنان با رمز، کنایه، تشبیه و... یاد می‌کند و آنها را با واژه خفاش، فرعونان و... توصیف می‌کند. شفیق حبیب، رزمندگان را می‌ستاید و روحیه ظلم‌ستیزی و مبارزه‌طلبی ملت خویش را برمی‌انگیزد و تأکید می‌کند که وی و همه فلسطینی‌ها در برابر بیداد و تجاوز، ایستادگی و مقاومت می‌کنند. شاعر از وضعیت نامطلوب مردم جنگ‌زده خویش و از وجود اندوه، اشک، استعمار، هراس، گرسنگی، هرج و مرج، فساد، پیامدها و صدمه‌های جنگ بر کودکان و... در سرزمینش گله می‌کند. شفیق حبیب، شهدا را عزیز، شریف و جاودانه معرفی می‌کند و شهادت را بر زیستن در میان ظلم و تجاوز، ترجیح می‌دهد. او دشمنان ملت خویش را اهل خدعه و نیرنگ معرفی و از آنها با واژه سگ، گرگ و... یاد می‌کند و وی، در توصیف دشمنان، از تهدید، تحقیر و تحدی استفاده کرده و بیشتر از سلمان هراتی از ملت جنگ‌زده خویش سروده است.

۴-منابع

۱-القرآن الکریم.

- ۲-حبیب، شفیق، دروب ملتبه، الناصره، مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۸۰.
- ۳------، أنادی أيها المنفی، الناصره: مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۸۴.
- ۴------، أحزان المراكب الهائمه. الناصره: مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۸۷.
- ۵------، الدم و الميلاد. الناصره: مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۸۸.
- ۶------، العوده إلى الآتی. الناصره: مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۹۰.
- ۷------، لیكون لكم فی السلام. الناصره: مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۹۲.
- ۸------، آه . . . یا أسوارعکّا! الناصره: مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۹۴.
- ۹------، تعاویذ من خزف. الناصره: مطبعه واوفست الحکیم، ۱۹۹۶.
- ۱۰------، صارخ فی البریه. الناصره: الحکیم للطباعه والنشر، ۲۰۰۱.
- ۱۱------، أنا الجانی، الناصره: الحکیم للطباعه والنشر، ۲۰۰۵.
- ۱۲------، شأیب. الحکیم للطباعه والنشر، ۲۰۱۱.
- ۱۳------، ما أمر العنب. القدس: دارالجندی للنشر و التوزیع، ۲۰۱۷.
- ۱۴-شفیعی، سید ضیاء الدین، سرود مرد غریب یادنامه زنده یاد سلمان هراتی. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۵-علیپور، منوچهر، مست لحظه‌های بی‌ریا. تهران: انتشارات رامین، ۱۳۷۵.
- ۱۶-کریمی لاریمی، رضا، جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندرانی. چاپ اول. ساری: مرکز انتشارات توسعه‌ی علوم، ۱۳۸۸.
- ۱۷-محمدی، محبوبه، قسم به نخل قسم به زیتون. تهران: نشر ارزش‌های دفاع مقدّس، ۱۳۸۹.
- ۱۸-هراتی، سلمان، مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی. چاپ سوم، تهران: دفترشعر جوان، ۱۳۸۷.
- ۱۹------، از آسمان سبز. چاپ دوم. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، ۱۳۸۸.

- ۲۰- صاعدی، احمدرضا و احمدیان، حمید و نظری تریزی، امین، «تحلیل تطبیقی درون‌مایه‌های مقاومت در اشعار «طاهره صفارزاده» و «زینب عبدالهادی حبش»، نشریه ادبیات پایداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره یازدهم، سال ششم، پاییز و زمستان، صص ۲۱۱ - ۱۳۹۳، ۲۳۵.
- ۲۱- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد و عبادی جام‌خانه، رضا و خوشه چرخ، علی‌اصغر، «امام زمان (عج)، نوستالوژی آینده‌گرا در اشعار سلمان هراتی»، فصلنامه ادبیات دینی (مطالعات ادبی متون اسلامی)، شماره اول، سال اول، صص ۱۱۹ - ۱۳۷، ۱۳۹۱.
- ۲۲- غیبی، عبدالأحد. احمری، فرزانه، «بررسی تطبیقی مفاهیم مقاومت و پایداری در اشعار فدوی طوقان و طاهره صفارزاده». نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهیدباهنر کرمان. شماره سیزدهم، سال هفتم، پاییز و زمستان، صص ۲۲۷ - ۱۳۹۴، ۲۴۷.
- ۲۳- کنفانی، غسان، «أبعاد و مواقف من الأدب المقاومة الفلسطينية»، مجله الآداب، العدد الرابع، بیروت، ۱۹۶۸.
- ۲۴- مسبوق، سیدمهدی و اسدی، سارا، «مؤلفه‌های پایداری در سروده‌های ابن منیر طرابلسی». نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان، شماره چهاردهم، سال هشتم، بهار و تابستان، صص ۲۳۷ - ۱۳۹۵، ۲۵۹.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

تازه ترین

بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL

پروپوزال

تازه ترین

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

ISI
Scopus

تازه ترین

آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو